

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

سید محمد

۲۲ جولای ۲۰۲۰

گرامیداشت از نبی جان "زارع" مردی از تبار شجاعت و سلحشوری



نبی جان "زارع" فرزند آقا رحیم خان "زارع" در ولایت فاریاب دیده به جهان گشود او در یک فامیل متنفذ با روحیه ای ملی گرا و ضد سیاست های فاشیستی خاندان سلطنتی پرورش یافت، از ایام نو جوانی بین همقطاران خود در شهادت و دلیری صاحب شهرت بود. دوره لیسه را در زادگاه خود و تحصیلات عالی را در پوهنخی حقوق به پایان رسانید.

زنده یاد نبی جان در دوران اوج جنبش های روشنفکری و مبارزات حق طلبی پا به عرصه سیاست گذاشت. تراکم کامپلکس محرومیت های اجتماعی و وقوع فاجعه بار قحطی و قیمتی سال ۱۳۵۰ خورشیدی و پیامد های ناگوار آن از یک جانب و تشدید تبعیض و استبداد حکومت از سوی دیگر ضرورت مبارزه ای جدی و پیگیر را در میان اکثریت جوانان

و وطنپرست تقویت بخشید، نبی جان از آن جمله جوانان عدالت خواه بود که در اعتصابات و تظاهرات و فعالیت های روشنفکری سهم فعال گرفت، درین راه باشخصیت های سیاسی نهضت دموکراسی و اندیشه پیشرو و مترقی آشنا شد، او صاحب عزم، اراده قوی و شهادت فوق العاده بود، در شهر کابل در محیط کاکگی و جوانمردی نیز جای پای خود داشت.

بعد از کودتای منحوس ۷ ثور سال ۱۳۵۷ نبی جان با سه تن از یارانش زندانی شد، مدتی بعد او توانست از زندان پلچرخ فرار نماید و روانه پاکستان و سپس ایران شود، نبی جان در مدت اقامتش در کشور ایران از مسیر آزادیخواهی خویش باز نه ایستاد و در انسجام و روشنگری کارگران و وطنپرست تلاش نمود.

همزمان با تأسیس اتحادیه سمت شمال سال ۱۳۶۰ در پشاور با تعدادی از کارگران مهاجر از ایران به پاکستان برگشت، در شکل گیری بخش نظامی این اتحادیه سهم قابل ملاحظه ای داشت، در همان سال با گروهی از جوانان فاریاب به طور مستقل (بدون وابستگی به احزاب اسلامی مقیم پاکستان و ایران) وارد زادگاه خود فاریاب زمین شد. زنده یاد نبی جان در کوتاه زمان با انجام عملیات های چریکی و ضربات کوبنده بر نیرو های دولتی، بین مردم و جبهات جنگ و جهاد به صفت یک فرمانده خردمند و توانا، چریک ورزیده و دشمن ستیز شهرت فراوانی کسب نمود، محبوبیت های روز

افزون او با روش روشنگرانه و مستقل خار چشم دشمنان رنگارنگ بود، همانا با دو جبهه متخاصم، از یک جانب قوای اشغالگر روسی و مزدورانش و از جانبی هم احزاب اسلامی جنگ طلب به سرکردگی مولوی عبدالغفور مشهور به (مولوی قره) و قومندان پر قدرت جهادی در گیر جنگ های خونین شد، هر دو جناح از تمامی شیوه های نظامی تبلیغاتی برای سرکوب و بد نام سازی اواستفاده کردند، تانیمه سال ۱۳۶۲ در دفاع از آزادی، دیموکراسی و عدالت اجتماعی با پامردی تام رزمید، برای روشنفکران وگروپ های تحت فشار دولت و مولوی قره پایگاهی امنی تبدیل شد. در نهایت امر درگیری های خونین بین جبهات مخالف قوای اشغالگر، مانع بزرگی در راه استقلال و رشد جنبش آزادیخواهی کشور بود، بنابراین تصمیم بر آن شد تا نبی جان مدتی از جنگ های فرسایشی ونا برابر به دور ماند، در مناطق صعب العبور کوهستانی جایگزین شده به تجدید و تربیت قواء پیر دازد، مگر تمامی راه های عبوری توسط مجاهدین "مولوی قره" مسدود بود به جز از مسیر درزاب ولایت جوزجان که در تصرف جنگجویان حزب اسلامی قرار داشت.

در آن زمان نیرو های حزب اسلامی نیز با قوای "مولوی قره" در حال جنگ وگریز بود، بر بنیاد این همسویی نا میمون به دام توطئه افتاد. بلا فاصله از مسیر ناموسا و شور دریای شرینگاب به ولسوالی دولت آباد عقب نشینی کرد. در آنجا از تصمیم خود و خطرات احتمالی آن به متفکین خود ابلاغ نمود، در نتیجه تمامی گروپ تحت حمایتش: گروپ نورالله خان قره نی، گروپ سردار بیگ، گروپی از اقوام پشتون از صف او جدا شدند.

دو نکته مهم از گفته های نبی جان در مورد سفرش در جلسه ای که با تعداد از رفقای دولت آباد داشت:

۱- برای بیرون رفت از جنگ های خانمانسوز ونا معقول، ضرورت به عقب نشینی موقت از جبهه گرم نبرد حومه های شهر ودهات به مناطق کوهستانی و دور از جنگ دارد.

۲- برای تعمیر اشتباهات وحرکات ناسالم ناشی از جنگ های تحمیلی، معتقد به راه پیمائی طولانی، تجدید و تربیت قواء با قبول خطرات احتمالی آن است.

سر انجام با سه صد تن از جوانان غیور از مسیر درزاب راهی کوهستانات شد، زمانی که به منطقه درزاب رسیدند از طرف مردم ومجاهدین حزب اسلامی استقبال شدند و به بهانه نبود جای برای پذیرائی جمعی، به منازل مسکونی از قبل آماده شده و دور از هم به گروپ های کوچک تقسیم شدند، سوگمنده در نیمه شب ۶ سنبله سال ۱۳۶۲ شمسی نبی جان با ده ها تن از یارانش به دستور انجینر "نسیم مهدی" آمر جبهه حزب اسلامی در بستر خواب ناجوانمردانه زیر آتش ماشیندارها به شهادت رسیدند.

بدین ترتیب این مرد سلحشور ویل پر توان و برادرش "نقیب الله زارع" جوان مبارز ومتعهد به جنبش انقلابی، "سید اسدالله آغا" روحانی روشن ضمیر (فرزند سید عبدالرحمان آغا سال ۱۳۵۸ خورشیدی که در جریان تبلیغ و ترویج آزادیخواهی در مناطق کوهستانی ولایت فاریاب همراه با سه تن از همزمانش: بوری پهلوان عبدالقادر و محمد نعیم دستگیر و زندانی شدند پس از رهائی از زندان سیاسی مزار در سال ۱۳۶۲ خورشیدی مستقیماً در صف نبی جان جای گرفته بود) همراه با ده ها تن از جوانان وطنپرست دیگر نا جوانمردانه به خون خفتند.

زنده و جاوید باد خاطرات جانبازی های این فرزندان سلحشور ودلیر جنبش آزادیبخش.

مرگ بر سیه دلان و تاریک اندیشان گروپ های خون آشام